



و بروز کرد.»

او با بیان اینکه در کرونا ما با شکل جدید از سبک زندگی، روابط، فاصله گذاری اجتماعی و مرگ مواجه شدیم، می گوید: «در دوران کرونا، مرگ اهمیت پیدا کرد و اگر کسی به این قوانین اجتماعی تن نمی داد و فاصله گذاری را رعایت نمی کرد، قطعاً آسیب جدی می دید و ممکن بود جانش را از دست بدهد. بنابراین کرونا، فردگرایی خودخواهانه جامعه را تشدید کرد. فرصتی که از دست رفت به این معنی بود که اگر فردگرایی اجتماعی می توانست در این زمان ترمیم پیدا کند، اما ترس مرگ ناشی از کرونا موجب شد تا افراد بتدریج از یکدیگر جدا و جداتر شوند. بنابراین کرونا موجب شد تا این فردگرایی خودخواهانه جامعه ایرانی درونی شده و به فرهنگ، سیاست و اجتماع نفوذ کند و جامعه ایرانی توأم با خشونت، بی رحمی و منفعت گرایی شود، درحالی که این فرصت می توانست به دگرخواهی و حس جمعی بینجامد.»

این استاد دانشگاه درباره اینکه جامعه ایران در دوران بعد از کرونا با چه اتفاقاتی مواجه خواهد شد، می گوید: «به هر حال نهادهای اجتماعی در طول کرونا دچار ضعف شدند و نتوانستند از فرصت بازسازی برای ترمیم خود استفاده کنند و قدرت بگیرند. طبیعتاً این فردگرایی خودخواهانه افراطی در بعد از کرونا نیز ظهور می کند و عامل عمده و اساسی برای فشارهای اجتماعی می شود. یعنی ما با مجموعه ای از درخواست ها، آرزوها و انتظارات که شکل فردی دارد و مربوط به خودخواهی افراد است، مواجه می شویم و هیچ نیروی اجتماعی هم نمی تواند آن را کنترل کرده و سامان دهد و به یک عامل مثبت برای توسعه جامعه تبدیل کند. بنابراین ما با شکل تشدید شده آن در پسا کرونا مواجه می شویم، چون در دوران کرونا فرصت داشتیم تا حس همیاری و دگردوستی را ایجاد کنیم. در این فرصت، بزرگان ما، سیاستمداران ما، اهالی رسانه، روشنفکران و هنرمندان ما می توانستند کمک کنند تا فرهنگ نوع دوستی به وجود بیاید، اما چون اغلب به فکر خودمان بودیم و نهادهایی که باید این کار را انجام می دادند فهم و دانش این کار را نداشتند، این امکان از دست رفت. مثلاً ما می توانستیم موسیقی همگرایی و نوع دوستی خلق کنیم. مثل زمان جنگ که موسیقی و نواهای رزم، نقش پررنگی در تحریک احساسات مردم داشت؛ اما در دوران کرونا با اینکه فرصت داشتیم، این اتفاق نیفتاد. اصحاب هنر، شعر، موسیقی، ادبیات، فلسفه، فرهنگ و حتی گروه های مذهبی هم می توانستند در حوزه دین کار کنند؛ چون معنای جدیدی از فرهنگ مردمان ایرانی در دینداری ایرانی و فرهنگ دینی نمود پیدا می کند، اما این کار انجام نشد. به عبارتی فرهنگی در این زمینه تولید نشد و به همین

سالمندان توانمند در پسا کرونا

بیش از دو سال از شیوع بیماری کرونا در جهان می گذرد. ویروس کووید ۱۹ توانست در مدت زمانی کوتاه به یک بحران در جوامع بشری تبدیل شود و با پیامدهای ناگواری همچون افزایش مرگ و میر مبتلایان به ایجاد ترس و هراس در جامعه منجر شود. اما تغییر در سبک زندگی تک تک افراد جامعه در کنار ایجاد ایمنی از طریق واکسیناسیون عمومی توانست از دغدغه خانواده ها و اضطراب اجتماعی بکاهد. در حقیقت با واکسیناسیون عمومی سطح قابل قبولی از آرامش روانی و امید به آینده در میان مردم جامعه شکل گرفته است. حالا در سایه ایمن سازی عمومی، بسیاری از کارشناسان از نقاط قوت پاندمی برای برخی از اقشار جامعه سخن می گویند و جهان پسا کرونا را با افزایش توانمندی های گروه های مختلف جامعه به تصویر می کشند.

دکتر پدیده ابوالفتحی ممتاز، متخصص طب سلامت سالمندان و عضو هیأت علمی دانشگاه بر این باور است که هرچند در ابتدا شیوع همه گیری در جامعه، سالمندان با مشکلات بسیاری مواجه شدند اما زندگی در محدودیت ها بر توانمندی آنها افزود به طوری که آنها در پسا کرونا آسوده تر خواهند زیست.

او در این باره به «ایران» می گوید: متأسفانه در ماه های ابتدایی شیوع بیماری کرونا بسیاری از متخصصان در سراسر دنیا و همچنین رسانه های اجتماعی با هدف کاهش استرس اجتماعی، این بیماری را بیماری افراد سالمند معرفی کردند. در واقع چنین عنوان شد که این سالمندان هستند که در معرض خطر قرار دارند و بر اثر این بیماری آسیب می بینند. هرچند این مطالب تنها یک هدف را دنبال می کرد و آن کاهش وحشت اجتماعی بود اما متأسفانه نوعی از سالمند آزاری را به همراه داشت.

این متخصص سلامت سالمندان می افزاید: پس از گذشت چند ماه آمارها نشان داد همه گروه های سنی از جوان و میانسال گرفته تا کودکان و نوزادان به گونه های مختلف این بیماری مبتلا می شوند و البته افرادی که به بیماری های زمینه ای دچار هستند نیز بیشتر از سایرین در معرض ابتلا

قرار دارند. از این رو می توان گفت، اصولاً سن به عنوان یک عامل مستقل در ابتلا به بیماری به شمار نمی آید اما در ابتدای پاندمی رسانه های اجتماعی با عنوان این موضوع، نوعی از سالمند آزاری و تبعیض سنی را نسبت به سالمندان روا داشتند.

ترس و اضطراب در میان همه گروه های سنی از جمله سالمندان

دکتر ابوالفتحی ممتاز در ادامه تصریح می کند: معمولاً سالمندان در مقایسه با گروه های سنی دیگر به دلیل کسب تجارب بیشتر در طول زندگی، کمتر دچار احساسات ناخوشایندی مانند ترس و نگرانی می شوند. به عبارت دیگر تاب آوری سالمندان در برابر این بیماری نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر بوده است. اما با وجود این نمی توان از اثرات ناخوشایند و نامطلوب پاندمی بر سالمندان چشم پوشی کرد. مطالعاتی که در سراسر کشور انجام دادیم نشان می دهد حدود ۶۱ درصد از سالمندان مرد و ۷۸ درصد سالمندان زن احساسات ناخوشایندی چون ترس، نگرانی، کلافگی، تنهایی و بی قراری را گزارش دادند. این درحالی است که بررسی ها نشان داد این شاخص ها در گروه های سنی دیگر نسبت به سالمندان بیشتر بوده است.

او به افزایش توانمندی های سالمندان در دوران همه گیری اشاره می کند و می گوید: در دوران قرنطینه، استفاده از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی در کاهش مشکلات روحی و روانی سالمندان بسیار اثرگذار بود. در مطالعه ای که این باره انجام گرفت مشخص شد سالمندانی که از فضای مجازی استفاده می کردند احساس تنهایی و ترس را کمتر تجربه می کردند. همچنین بسیاری از امور خود مانند شرکت در کلاس های آنلاین و حتی خریدهای خود را از این طریق انجام می دادند که این امر به افزایش توانمندی های آنها در دوران همه گیری و همچنین دوران پسا کرونا می انجامد. استفاده سالمندان از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی در سلامت روح و روان آنها به اندازه ای اثرگذار و ارزشمند است که حتی سازمان ملل شعار امسال روز جهانی سالمندان را، عدالت در استفاده و دسترسی به

کرونا، فردگرایی خودخواهانه جامعه را تشدید کرد. فرصتی که از دست رفت به این معنی بود که اگر فردگرایی اجتماعی می توانست در این زمان ترمیم پیدا کند، اما ترس مرگ ناشی از کرونا موجب شد تا افراد بتدریج از یکدیگر جدا و جداتر شوند

